

بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: دانشگاه بوعلی سینا همدان)

رویا اکبری*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش منابع طبیعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

رضا موحدی

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان

حورا کوچکیان

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران

چکیده

هدف این پژوهش بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی می‌باشد. دانشگاه بوعلی سینای همدان به‌عنوان مطالعه موردی این تحقیق انتخاب گشته است. از بین ۸۰۰ نفر دانشجوی رشته‌های کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا که جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دادند، تعداد ۲۱۱ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ به‌عنوان نمونه‌های آماری تحقیق انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق بود که توسط گروهی از متخصصان رشته کشاورزی با روش سنجش محتوایی مورد روان‌سنجی گویه‌ها (روایی) قرار گرفت و طی یک آزمایش مقدماتی با استفاده از روش کرونباخ آلفا اعتبار یا پایایی سئوالات مورد بررسی قرار گرفت و اصلاحات لازم صورت پذیرفت و ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه تحقیق ۰/۸۴ به‌دست آمد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که هفت عامل زیر در بهبود آینده شغلی دانشجویان رشته‌های کشاورزی، به‌ترتیب بیشترین نقش را دارا هستند. این عوامل عبارتند از توانمندی‌های تخصصی دانشجو، ارتباط دانشگاه با مراکز کاری، فرصت‌های شغلی موجود، رضایت‌مندی سطح دانش دوران تحصیل، سیاست‌های دولت در زمینه اشتغال، تسهیلات و امکانات موجود و علاقمندی به مشاغل مرتبط با رشته‌های کشاورزی.

واژه‌های کلیدی: نگرش، دانشجویان کشاورزی، اشتغال، دانشگاه بوعلی سینا.

* نویسنده مسوول مکاتبات، r_oya_akbari@yahoo.com

مقدمه

فراهم آوردن دانش و مهارت‌های مورد نیاز نیروی کار آتی، یکی از مستقیم‌ترین و بدیهی‌ترین راه‌هایی است که آموزش عالی می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک کند. از طرف دیگر فراهم کردن شرایط و امکانات لازم برای نیروهای انسانی ماهر و کارآزموده جهت ورود به بازار کار از مهم‌ترین اقدامات و پیش‌بینی‌هایی است که دولت‌مردان و برنامه‌ریزان کشورها می‌بایست جهت پیشبرد برنامه‌های توسعه خود اعمال نمایند (هال، ۱۳۷۳). کشوری که نتواند مهارت و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری کند، نخواهد توانست هیچ چیز را توسعه دهد (محمدی‌دینانی و فولادی، ۱۳۸۰).

افزایش قابل ملاحظه تعداد داوطلبان آزمون ورودی دانشگاه‌ها، افزایش نسبت داوطلبان دختر به پسر و ضرورت ارایه آموزش‌های متنوع، از چالش‌هایی است که آموزش عالی از جمله آموزش عالی کشاورزی با آنها روبه‌رو است. از راه‌های مواجهه با این چالش‌ها، بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی نسبت به رشته تحصیلی و آینده خود برای هدایت هر چه بهتر این داوطلبان به سوی رشته‌های کشاورزی است. برای این منظور، از نظریه نگرش «آجزین» می‌توان استفاده کرد. وی نگرش را عاملی می‌داند که باعث می‌شود فرد به کمک آن بر له یا علیه شیء، شخص، مؤسسه یا موقعیتی خاص یک رفتار خاص از خود نشان دهد. بررسی عوامل موثر بر نگرش دانشجویان در انتخاب رشته‌های کشاورزی نشان می‌دهد، داوطلبانی که رشته کشاورزی را در اولویت قرار داده‌اند، تجربه، مشاهده و شناخت بیشتر و به طور کلی، نگرش بهتری نسبت به کشاورزی و فعالیت‌های مختلف آن داشته‌اند (شاهولی و نوری‌پور، ۱۳۸۶).

نگرش، گرایش یا ایستار، بنا بر نظر آلپورت، یک حالت روانی و فکری آمادگی است که بر پاسخ‌های فرد در برابر کلیه اشیاء یا موقعیت‌هایی که به آن مربوط می‌شود تاثیر هدایت شده یا پویا دارد. به‌عنوان مثال نگرش‌های کودکان تحت تاثیر نگرش‌های والدین، هم‌بازی‌ها، هم‌کلاسی‌ها و معلمان خود تغییر می‌کند. می‌توان اظهار کرد که در دوران دانشگاه، نگرش دانشجویان از بیشترین امکان تغییر برخوردار می‌شود، نگرش‌ها پس از شکل‌گیری از ثبات بیشتری برخوردار شده و تابع اصل ثبات شناختی هستند، یعنی در برابر تغییر مقاومت می‌کنند حتی اگر اطلاعات مغایر با نگرش‌ها باشد، فرد سعی می‌کند آنها را با چارچوب نگرش خود تطبیق دهد (حسین‌بر، ۱۳۸۴). به‌طور کلی اهمیت مطالعاتی که در مورد بررسی نگرش افراد انجام می‌شوند از این نظر است که نگرش یکی از اجزای اصلی و مهم رفتار انسان‌هاست و بر اساس آن می‌توان درباره رفتار و یا نتایج آن قضاوت و تصمیم‌گیری نمود (Gorton et al., 2008).

با توجه به این‌که بزرگترین دغدغه دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی و نیز دولت‌مردان کشور افزایش فرصت‌های شغلی است، لذا پی‌بردن به راهکارهای عملی جهت ایجاد اشتغال بسیار حایز اهمیت است. در این تحقیق سعی بر آن است تا با بررسی نگرش دانشجویان رشته‌های کشاورزی در خصوص چگونگی اشتغال در بخش کشاورزی، راهکارهای عملی جهت بهبود آینده شغلی دانشجویان رشته‌های کشاورزی شناسایی و ارایه گردد.

بسیاری از محققان دلایل بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی را فقدان مهارت‌های لازم جهت اشتغال برشمرده‌اند (زمانی و لاری، ۱۳۸۳؛ شهبازی و علی‌بیگی، ۱۳۸۵؛ Movehedi, 2009). محققین کیفیت پایین نیروی کاری جوان و بالا بودن نرخ بیکاری را با نامناسب بودن آموزش‌های ارائه شده مرتبط می‌دانند (همتی و همکاران، ۱۳۸۶). این محققان فقدان مهارت‌های لازم در افراد را به‌عنوان یکی از عوامل اصلی مداخله‌گر در بازار کار تلقی می‌کنند. در این بین آموزش علمی-کاربردی که در واقع یک نوع مهارت‌اندوزی بر اساس تقاضای بازار کار محسوب می‌گردد، با ایجاد شغل برای جوانان و تضمین آینده شغلی با معضل بیکاری مقابله می‌نمایند (آوخ‌کسیم، ۱۳۸۲).

به‌دلیل تعداد بالای دانشجویان در نظام آموزش کشاورزی نسبت به فرصت‌های استخدامی و شغلی موجود، باید ارزیابی دقیق و مداوم از نیازهای موجود بازار کار و تقاضای استخدام‌کنندگان (کارفرمایان) به‌عمل آمده تا بر مبنای این نیازمندی‌ها، برنامه‌های مناسب درسی و آموزش کشاورزی تهیه و تدوین گردد. در کشورهای در حال توسعه، کاهش فرصت‌های استخدامی توسط دولت باعث شده تا دانشجویان مجبور شوند یادگیری دانش و مهارت‌های خود را در جهت بخش خصوصی سوق دهند (موحدی، ۱۳۸۳).

به اعتقاد استواری (۱۳۸۲) در حال حاضر مراکز آموزش عالی کشاورزی و مراکز کاری مرتبط با بخش کشاورزی با مشکلاتی نظیر عدم ارتباط کاری نزدیک مواجه هستند. در جاهایی هم که ارتباط وجود دارد مشکل موازی کاری پیش می‌آید، بنابراین دانشگاه‌ها لازم است به‌طور مستقیم با نظام ملی کارآفرینی کشاورزی و به‌طور غیرمستقیم (از طریق ایستگاه‌های علمی و تحقیقاتی) با صنایع و دیگر بخش‌های اقتصادی مرتبط باشند. البته این ارتباط بدون ایجاد نظام فناوری اطلاعاتی در بخش کشاورزی میسر نخواهد بود (استواری، ۱۳۸۲).

رابینسون و همکارانش (۲۰۰۷) درباره احراز مشاغل مختلف کشاورزی در آینده توسط دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی نتیجه می‌گیرند که داشتن انگیزه و نگرش مثبت؛ توانایی کار کردن با دیگران؛ و توانایی کار به‌طور مستقل، مهم‌ترین عوامل موثر در کسب شغل در آینده هستند (Robinson et al., 2007).

به بیان استرلینگ (۲۰۰۱)، نظام آموزش موجود، بیشتر تأکید بر رقابت و مصرف دارد تا نگهداری و حفظ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، و کشاورزی بیشتر به‌عنوان کارخانه صنعتی عمل می‌کند تا در مقام خلاقان مخازن بزرگ فرهنگی و شناختی. استرلینگ بیان می‌کند که جهان پسامدرن که با عدم قطعیت، وابستگی بیش از حد و خطرپذیری همراه است، انسان‌هایی را می‌طلبد که برای دیدگاه‌های چندگانه ارزش قایل شوند، منتقد بوده و در جستجوی تأثیرات چندگانه باشند (تا روابط علت-معلولی خطی)، آنان باید دارای فکر باز بوده و به روابط متعامل بین مؤلفه‌های سامانه توجه کنند (Sterling, 2000).

بر اساس یافته‌های یک پژوهش ملی توسط شاه‌ولی و نوری‌پور (۱۳۸۶)، راهکارهای زیر برای هدایت داوطلبان آزمون ورودی با دانشگاه‌ها به سوی رشته‌های کشاورزی ارائه شده است. برای پذیرش داوطلبان

آزمون‌های سراسری دانشگاه‌ها، برای ورود به رشته‌های کشاورزی برای افرادی که تجربه کار یا سکونت در مناطق روستایی دارند، سهمیه‌ای خاص در نظر گرفته می‌شود. آشنایی و مشاهده فعالیت‌های کشاورزی، آشنایی با محتوای دروس کشاورزی، و سهمیه بیشتر برای جنسیت پسر نیز از ملاک‌هایی است که باید برای پذیرش دانشجویان در نظر گرفته شود (شاه‌ولی و نوری‌پور، ۱۳۸۶).

نتایج تحقیق موحدی و همکارانش نشان می‌دهد با وجودی که میزان علاقه دانشجویان نسبت به رشته کشاورزی قبل از ورود به این رشته در حد متوسط بود، ولی این میزان علاقه بعد از ورود به رشته تا حد زیاد افزایش یافته است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که ۸۹ درصد از دانشجویان مورد مطالعه گرایش مثبت (۲۱ درصد گرایش متوسط و ۶۸ درصد گرایش موافق) و تنها ۱۱ درصد آنها گرایش منفی نسبت به رشته کشاورزی داشته‌اند. همچنین در این تحقیق مشخص گردید که گرایش دختران نسبت به رشته کشاورزی بیشتر از پسران بوده و میزان گرایش دانشجویان نسبت به رشته کشاورزی در دو دانشگاه آزاد اسلامی و دولتی در لرستان و همدان در حد مشابه و یکسان است. از طرف دیگر بین محل سکونت دانشجویان مورد مطالعه (شهر یا روستا) و میزان گرایش آنها نسبت به کشاورزی رابطه معنی‌داری مشاهده گردید (موحدی و دیگران، ۱۳۸۶).

مطالعه‌ای در مورد دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد بین ۸۰۰ نفر از دانشجویان انجام گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که اکثر دانشجویان مورد مطالعه علاقه‌مند به کار در مناطق روستایی بوده‌اند، به گونه‌ای که امتیاز نگرش به کار در روستا برابر ۲/۸۶ بود. بین متغیرهای جنسیت، رشته تحصیلی، سال ورود به دانشگاه، محل سکونت، سابقه سکونت در روستا، میزان رضایت از انتخاب رشته کشاورزی، اولویت انتخاب رشته کشاورزی در کنکور سراسری و مقطع تحصیلی با نگرش به اشتغال در مناطق روستایی رابطه معنی‌داری وجود داشت و عمده پاسخ‌گویان عوامل دوری از اعضای خانواده و پایین بودن سطح درآمد در روستاها را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل عدم جذب دانش‌آموختگان کشاورزی به فعالیت در روستاها برشمردند. این مطالعه علاوه بر تخصیص درصدی از ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشکده‌های کشاورزی، به داوطلبین روستایی (به‌عنوان سهمیه ویژه مناطق روستایی) و نیز ایجاد نسبت متوازن در جذب دانشجویان دختر و پسر، ایجاد زمینه‌های کارآفرینی برای دانش‌آموختگان کشاورزی در روستاها از طریق پرداخت اعتبارات ویژه کار و سکونت در روستاها را به‌عنوان مکمل درآمدی پیشنهاد نموده است (تبرایی و قاسمی، ۱۳۸۵).

بر اساس مطالعه شفיעی و فمی (۱۳۸۶)، پنج عامل زیر به‌عنوان عوامل موثر بر نگرش دانشجویان کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی شناسایی شدند. این عوامل به قرار زیر هستند: قابلیت تامین نیازهای روان‌شناختی، پایین بودن جایگاه اقتصادی-اجتماعی مشاغل کشاورزی، مخاطرات شغلی، عدم دسترسی به اعتبارات و استخدامات دولتی در بخش کشاورزی، و ناسازگاری مشاغل کشاورزی برای دختران و زنان (شفיעی و فمی، ۱۳۸۶).

به اعتقاد کانن (۲۰۰۵) داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها در امریکا بنا به دلایل متعدد، گرایش برای ورود به رشته‌های کشاورزی ندارند. از جمله این دلایل عبارتند از: کاهش نقش بخش کشاورزی نسبت به صنعت در رشد اقتصادی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰، افزایش شدید قیمت‌ها، تبلیغات سوء رسانه‌های خبری درباره کشاورزی و بزرگ‌نمایی مشکلات زندگی روستایی و کشاورزی، و فقدان دانش و مهارت‌های حرفه‌ای دانش‌آموختگان کشاورزی (Cannon, 2005).

اهداف پژوهش

هدف کلی تحقیق حاضر بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی به اشتغال در بخش کشاورزی، مطالعه موردی دانشکده بوعلی سینا همدان می‌باشد. اهداف تخصصی تحقیق در راستای رسیدن به هدف کلی عبارتند از:

۱. بررسی ویژگی‌های دانشجویان مورد مطالعه؛
۲. بررسی علل و معضلات بیکاری در بخش کشاورزی؛
۳. تحلیل عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به اشتغال در بخش‌های کشاورزی؛
۴. بررسی رابطه بین فرصت‌های شغلی موجود، علاقه‌مندی به مشاغل مرتبط با رشته‌های کشاورزی، سیاست‌های دولت در زمینه اشتغال و گرایش به اشتغال در بخش کشاورزی؛
۵. بررسی رابطه بین تسهیلات و امکانات مالی و اداری موجود، توانمندی‌های تخصصی دانشجویان، ارتباط دانشگاه با مراکز کاری و گرایش به اشتغال در بخش کشاورزی.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های پیمایشی است که به روش همبستگی و تحلیل رگرسیونی انجام گرفته است. در توصیف داده‌ها از آمارهای توصیفی شامل شاخص‌های پراکندگی (واریانس و انحراف معیار) و شاخص‌های مرکزی (میانگین و فراوانی) استفاده شد. در آمار تحلیلی از ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده گردید. جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق شامل ۸۰۰ نفر دانشجویان روزانه مقطع کارشناسی گرایش‌های ترویج و آموزش، ماشین‌آلات، آبیاری، باغبانی، خاک‌شناسی، گیاه‌پزشکی، زراعت و اصلاح نباتات و علوم دامی، ورودی سال‌های تحصیلی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان می‌باشند.

حجم نمونه آماری با استفاده از گروه نمونه و آماره کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای ($n=211$) انتخاب گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بود. با حذف پرسشنامه‌های تکمیل نشده و غیراستاندارد، تعداد ۱۸۷ پرسشنامه تأیید و جهت تجزیه و تحلیل آماری وارد نرم‌افزار آماری گردید. رویی سئوالات پرسشنامه با استفاده از گروهی از متخصصان رشته ترویج و آموزش کشاورزی مورد بررسی

محتوایی قرار گرفت و تأیید شد. سنجش پایایی یا اعتبار ابزار تحقیق از طریق انجام یک پیش‌آزمون در میان ۳۰ نفر از دانشجویان دو گرایش ترویج و آموزش کشاورزی و زراعت و اصلاح نباتات، به‌عنوان گروه نمونه با استفاده از نرم‌افزار SPSS تعیین گردید. ضریب آلفای کرونباخ به‌دست آمده برای سؤالات ترتیبی پرسشنامه ۰/۸۴ شد که نشان دهنده اعتبار بالای سؤالات پرسشنامه است.

یافته‌ها

دانشجویانی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفتند با میانگین سنی ۲۱ سال و اکثریت با جنسیت مؤنث بودند (۷۴/۹ درصد) و محل سکونت اغلب پاسخگویان (۹۸/۴ درصد) مناطق شهری بود. در میان پاسخگویان تنها ۵ نفر (۲/۷ درصد) متأهل، و سایر پاسخگویان (۱۸۲ نفر، ۹۷/۳ درصد) مجرد بودند. از نتایج مهمی که این پژوهش بدان دست یافت بررسی علاقه دانشجویان در انتخاب رشته تحصیلی‌شان بود. بدین ترتیب طبق یافته‌های آماری ۷۳ نفر (۳۹/۲ درصد) با علاقه قبلی و ۱۱۳ نفر (۶۰/۸ درصد) بدون علاقه قبلی وارد رشته‌های کشاورزی با گرایش‌های ماشین‌آلات کشاورزی، گیاه‌پزشکی، آبیاری، ترویج و آموزش کشاورزی، زراعت و اصلاح نباتات، باغبانی، علوم دامی و خاک‌شناسی شده و مشغول به تحصیل گشته‌اند.

جدول ۱- فراوانی علاقه قبلی به رشته کشاورزی و نوع رشته تحصیلی پاسخگویان (n=۱۸۷)

صفت	گویه‌ها	فراوانی	درصد	درصدتجمعی
علاقه قبلی به رشته کشاورزی	بدون علاقه قبلی	۱۱۳	۶۰/۸	۶۰/۸
	با علاقه قبلی	۷۳	۳۹/۲	۱۰۰
	جمع	۱۸۷	۱۰۰	-
رشته تحصیلی	ماشین‌آلات کشاورزی	۲۴	۱۲/۸	۱۲/۸
	گیاه‌پزشکی	۲۲	۱۱/۸	۲۴/۶
	آبیاری	۲۱	۱۱/۲	۳۵/۸
	ترویج و آموزش کشاورزی	۲۷	۱۴/۴	۵۰/۳
	زراعت و اصلاح نباتات	۲۲	۱۱/۸	۶۲/۰
	باغبانی	۲۵	۱۳/۴	۷۵/۴
	علوم دامی	۲۳	۱۲/۳	۸۷/۷
	خاک‌شناسی	۲۳	۱۲/۳	۱۰۰
	جمع	۱۸۷	۱۰۰	-

در این پژوهش عواملی که باعث افزایش گرایش دانشجویان کشاورزی به فعالیت در بخش کشاورزی بعد از فارغ‌التحصیلی می‌شوند، مورد بررسی قرار گرفت. این عوامل در جدول شماره ۲ به تفصیل بیان شده‌اند.

جدول ۲- عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان نسبت به اشتغال در بخش‌های کشاورزی (n=۱۸۷)

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین*	گویه‌ها
۱	۲۷/۱۸	۱/۰۶	۳/۹۰	استفاده از مهارت‌ها و آموزش‌های کسب شده در جهت توسعه کشاورزی
۲	۲۸/۳۱	۱/۰۹	۳/۸۵	علاقه‌مندی به کسب شغل در بخش‌های دولتی
۳	۲۸/۸۸	۱/۰۸	۳/۷۴	علاقه‌مندی به کسب شغل آزاد یا خصوصی مرتبط با رشته تحصیلی
۴	۲۹/۹۱	۱/۰۵	۳/۵۱	وجود قابلیت‌ها و پتانسیل‌های کشاورزی برای استفاده دانش‌آموختگان
۵	۳۱/۱۲	۱/۰۸	۳/۴۷	مدرن و دقیق شدن فعالیت‌های کشاورزی
۶	۳۱/۸۶	۱/۱۵	۳/۶۱	وجود زمینه‌های مختلف اشتغال برای دختران در فعالیت‌های کشاورزی
۷	۳۳/۴۴	۱/۰۷	۳/۲۰	وجود تنوع شغلی در رشته‌های کشاورزی
۸	۳۳/۹۵	۰/۹۲	۲/۷۱	وجود مراکز و موسسات متعدد مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی
۹	۳۴/۹۱	۱/۱۸	۳/۳۸	تأثیر افزایش فعالیت‌های خصوصی در بخش کشاورزی
۱۰	۳۵/۱۹	۱/۲۰	۳/۴۱	کسب مدرک دانشگاهی به‌منظور به‌دست آوردن کار در آینده
۱۱	۳۶/۳۰	۰/۹۸	۲/۷۰	تأثیر مهارت‌های کسب شده در دوران تحصیل
۱۲	۳۶/۶۵	۱/۰۳	۲/۸۱	تأثیر محتوای دروس گذرانده شده در دوران تحصیل
۱۳	۳۷/۷۰	۱/۱۸	۳/۱۳	ارتباط رشته‌های کشاورزی با کارآفرینی و اشتغال‌زایی
۱۴	۳۷/۹۸	۱/۰۹	۲/۸۷	تأثیر رشته‌های کشاورزی در ایجاد فرصت‌های شغلی
۱۵	۳۸/۷۸	۰/۹۵	۲/۴۵	تناسب محتوای دروس گذرانده شده با نیازهای بازار کار
۱۶	۴۱/۰۳	۱/۱۲	۲/۷۳	تأثیر سیاست‌ها و حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی
۱۷	۴۲/۴۰	۱/۲۰	۲/۸۳	تأثیر دانشکده‌های کشاورزی در اشتغال‌زایی و کارآفرینی
۱۸	۴۲/۷۵	۱/۰۹	۲/۵۵	آشنایی با فرصت‌های شغلی از طریق گروه آموزشی دانشکده
۱۹	۴۳/۵۲	۱/۴۱	۳/۲۴	سیاست‌های استخدامی دولت در بخش کشاورزی
۲۰	۴۳/۷۷	۱/۱۶	۲/۶۵	زمینه‌های اشتغال برای دختران دانشجو در رشته‌های کشاورزی
۲۱	۴۴/۸۸	۱/۳۶	۳/۰۳	سیاست‌های اقتصادی و تولیدی دولت
۲۲	۴۶/۸۶	۱/۲۷	۲/۷۱	وجود اطلاعات در زمینه فرصت‌های شغلی کشاورزی
۲۳	۴۸/۸۱	۱/۲۳	۲/۵۲	وجود انگیزه صرفاً برای کسب مدرک دانشگاهی
۲۴	۵۰/۰۰	۱/۴۳	۲/۸۶	کمبود تعداد دانشجویان رشته‌های کشاورزی نسبت به تقاضای بازار کار
۲۵	۵۳/۰۵	۱/۳۳	۲/۱۳	تضمین آینده شغلی

* طیف لیکرت: خیلی کم=۱ کم=۲ تا حدودی=۳ زیاد=۴ خیلی زیاد=۵

بر طبق نتایج به‌دست آمده عواملی که از نظر دانشجویان در حد زیاد در آینده شغلی آن‌ها موثر بودند، به‌ترتیب عبارت بودند از: (۱) استفاده از مهارت‌ها و آموزش‌های کسب شده در جهت توسعه کشاورزی در کشور، (۲) علاقه‌مندی به کسب شغل در بخش‌های دولتی، (۳) علاقه‌مندی به کسب شغل آزاد یا خصوصی مرتبط با رشته تحصیلی، (۴) وجود قابلیت‌ها و پتانسیل‌های کشاورزی برای استفاده دانش‌آموختگان کشاورزی، (۵) مدرن و دقیق شدن فعالیت‌های کشاورزی، (۶) وجود زمینه‌های مختلف اشتغال برای دختران در فعالیت‌های کشاورزی، (۷) وجود تنوع شغلی در رشته‌های کشاورزی، (۸) وجود مراکز و موسسات متعدد

مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی، ۹) تاثیرافزایش فعالیت‌های خصوصی در بخش کشاورزی، ۱۰) کسب مدرک دانشگاهی به منظور به دست آوردن کار در آینده.

محاسبه ضریب همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای مستقل فرصت‌های شغلی موجود، علاقه‌مندی به مشاغل مرتبط با رشته‌های کشاورزی، سیاست‌های دولت در زمینه اشتغال، تسهیلات و امکانات مالی و اداری موجود، توانمندی‌های تخصصی دانشجویان، و ارتباط دانشگاه با مراکز کاری با متغیر وابسته گرایش به اشتغال در بخش کشاورزی حاکی از آن است که رابطه بین متغیرهای مذکور در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار می‌باشد. نتایج همچنین نشان داد بین متغیر رضایت‌مندی از سطح دانش دوران تحصیل با گرایش به اشتغال در بخش کشاورزی در سطح ۰/۰۰۱ خطا رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس فرضیه H_0 مبنی بر عدم ارتباط گرایش به اشتغال در بخش‌های کشاورزی با متغیرهای ذکر شده رد می‌شود.

جدول ۳- نتایج حاصل از همبستگی اسپیرمن ($n=187$)

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
فرصت‌های شغلی موجود	۰/۳۱۸**	۰/۰۰۰
علاقه‌مندی به مشاغل مرتبط با رشته‌های کشاورزی	۰/۳۰۴**	۰/۰۰۰
رضایت‌مندی از سطح دانش دوران تحصیل	۰/۲۵۳**	۰/۰۰۱
سیاست‌های دولت در زمینه اشتغال	۰/۴۱۲**	۰/۰۰۰
تسهیلات و امکانات مالی و اداری موجود	۰/۳۶۰**	۰/۰۰۰
توانمندی‌های تخصصی دانشجویان	۰/۷۴۸**	۰/۰۰۰
ارتباط دانشگاه با مراکز کاری	۰/۴۶۸**	۰/۰۰۰

* $P \leq 0/01$ ** $P \leq 0/05$

در نتایج به دست آمده از رگرسیون چندمتغیره به روش گام‌به‌گام، متغیر توانمندی‌های تخصصی دانشجویان (X_1) با شیب خط رگرسیون $B=1/015$ و $t=47/762$ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ در گام اول، و متغیر ارتباط دانشگاه با مراکز کاری (X_2) با شیب خط رگرسیون $B=1/063$ و $t=11/635$ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ در گام دوم، متغیر فرصت‌های شغلی موجود (X_3) با شیب خط رگرسیون $B=1/146$ و $t=14/238$ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ در گام سوم، متغیر رضایت‌مندی از سطح دانش دوران تحصیل (X_4) با شیب خط رگرسیون $B=1/041$ و $t=13/128$ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ در گام چهارم، متغیر سیاست‌های دولت در زمینه اشتغال (X_5) با شیب خط رگرسیون $B=0/961$ و $t=11/627$ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ در گام پنجم، متغیر تسهیلات و امکانات موجود (X_6) با شیب خط رگرسیون $B=1/409$ و $t=10/085$ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ در گام ششم و متغیر علاقه‌مندی به مشاغل مرتبط با رشته‌های کشاورزی (X_7) با شیب خط رگرسیون $B=0/895$ و $t=8/728$ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ در گام هفتم، توانایی تبیین حدود ۹۶ درصد از تغییرات متغیر گرایش به اشتغال در بخش کشاورزی را دارا می‌باشند. به عبارت دیگر ۷ متغیر مستقل مذکور حدود

۹۶ درصد از واریانس متغیر وابسته گرایش به اشتغال در بخش کشاورزی را تبیین می کنند (جدول شماره ۴). با توجه به ضرایب جدول شماره ۴، معادله خط رگرسیون و معادله‌ی استاندارد شده آن در گام هفتم به صورت زیر است:

$$Y = 9/217 + 1/015X_1 + 1/063X_2 + 1/146 X_3 + 1/041 X_4 + 0/961 X_5 + 1/409 X_6 + 0/895 X_7$$

$$Y = 0/707 X_1 + 0/255X_2 + 0/218X_3 + 0/197X_4 + 0/216X_5 + 0/163X_6 + 0/135X_7$$

جدول ۴- خلاصه محاسبات رگرسیون گرایش دانشجویان به اشتغال در بخش کشاورزی (n=۱۸۷)

متغیر مستقل	B	Beta	t	Sig t
توانمندی های تخصصی دانشجو (X _۱)	۱/۰۱۵	۰/۷۰۷	۴۷/۷۶۲	۰/۰۰۰
ارتباط دانشگاه با مراکز کاری (X _۲)	۱/۰۶۳	۰/۲۲۵	۱۱/۶۳۵	۰/۰۰۰
فرصت‌های شغلی موجود (X _۳)	۱/۱۴۶	۰/۲۱۸	۱۴/۲۳۸	۰/۰۰۰
رضایت‌مندی سطح دانش دوران تحصیل (X _۴)	۱/۰۴۱	۰/۱۹۷	۱۳/۱۲۸	۰/۰۰۰
سیاست‌های دولت در زمینه اشتغال (X _۵)	۰/۹۶۱	۰/۲۱۶	۱۱/۶۲۷	۰/۰۰۰
تسهیلات و امکانات موجود (X _۶)	۱/۴۰۹	۰/۱۶۳	۱۰/۰۸۵	۰/۰۰۰
علاقه‌مندی به مشاغل مرتبط با رشته‌های کشاورزی (X _۷)	۰/۸۹۵	۰/۱۳۵	۸/۷۲۸	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ (Constant)	۹/۲۱۷	-	۵/۲۲۳	۰/۰۰۰
R = ۰/۹۸۴ R ² = ۰/۹۶۷ R ² adj = ۰/۹۶۶ F = ۶۴۰/۶۲۷ Sig t = ۰/۰۰۰				

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

منابع انسانی یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه در هر جامعه‌ای محسوب می‌گردند که بی‌تردید برای نیل به توسعه پایدار و متعادل تربیت نیروی انسانی متخصص، کارآمد و شایسته از طریق مراکز و نهادهای آموزشی و پژوهشی یک اصل اساسی به شمار می‌روند. با وجود اینکه توسعه و گسترش مراکز و نهادهای آموزش عالی کشاورزی و افزایش متخصصان رشته‌های کشاورزی مویذ حضور نیروهای کیفی در بخش کشاورزی است، ولی عدم برنامه‌ریزی مناسب برای جذب و اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی دستیابی به این امر را دچار موانع و مشکلاتی ساخته است. بنابراین مسئله اشتغال دانش‌آموختگان، یکی از مسایل اساسی است که می‌بایست مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران کشور قرار گیرد. چرا که توجه به امر اشتغال هم به لحاظ تأمین نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار (نقش اقتصادی) و هم به لحاظ نقش‌های اجتماعی برای نیل به اهداف توسعه ضروری است. بر اساس نتایج توصیفی این تحقیق استفاده از مهارت‌ها و آموزش‌های کسب شده، علاقه‌مندی به کسب شغل در بخش‌های مختلف دولتی، خصوصی و آزاد، و وجود قابلیت‌ها و پتانسیل‌های مختلف کار در بخش کشاورزی از مهم‌ترین عوامل موثر بر گرایش دانشجویان نسبت به کسب شغل و اشتغال در بخش‌های کشاورزی در آینده معرفی شدند. همچنین نتایج

همبستگی بین متغیرها نشان می‌دهد که هرچه توانمندی‌های تخصصی و اطلاعات دانشجوی بیشتر باشد، گرایش به اشتغال در بخش کشاورزی او بیشتر خواهد بود. این مساله یکی از نتایج مهمی است که توسط بسیاری از محققان دیگر مورد تایید قرار گرفته است. به طوری که بسیاری از محققان دلایل بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی را فقدان مهارت‌های لازم جهت اشتغال برشمرده‌اند (زمانی و لاری، ۱۳۸۳؛ شهبازی و علی‌بیگی، ۱۳۸۵؛ Cannon, 2006 و Movahedi, 2009).

هرچه ارتباط بین دانشگاه و مراکز کاری بیشتر باشد، گرایش دانشجوی به اشتغال در بخش کشاورزی بیشتر خواهد بود. هرچه فرصت‌های شغلی بخش کشاورزی بیشتر باشد، گرایش به اشتغال در بخش کشاورزی بیشتر می‌گردد. در مورد تاثیر مثبت ارتباط بین دانشگاه و مراکز کاری همچنین تاثیر مثبت وجود فرصت‌های شغلی بیشتر در بخش کشاورزی نتایج تحقیق Movahedi (۲۰۰۹) با یافته‌های این تحقیق مطابقت دارد. هرچه رضایت‌مندی دانشجوی از دانش و اطلاعات کسب شده در دوران تحصیل و علاقه‌مندی به فعالیت‌های کشاورزی بیشتر باشد، گرایش وی به اشتغال در بخش کشاورزی بیشتر خواهد بود. در این خصوص نیز نتایج مشابهی در تحقیق شاه‌ولی و نوری‌پور (۱۳۸۶) به‌دست آمده است. در نهایت هر چه سیاست‌های دولت بهتر و تسهیلات و امکانات اختصاصی برای اشتغال بیشتر باشد، گرایش دانشجوی رشته کشاورزی به اشتغال در بخش کشاورزی بیشتر خواهد بود. این نتیجه با نتایج به‌دست آمده در تحقیق شفیعی و فمی (۱۳۸۶) مطابقت دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که هفت عامل زیر در بهبود گرایش دانشجوی رشته کشاورزی به اشتغال در بخش کشاورزی به‌ترتیب بیشترین نقش را دارا هستند: ۱) توانمندی‌های تخصصی دانشجوی، ۲) ارتباط دانشگاه با مراکز کاری، ۳) فرصت‌های شغلی موجود، ۴) رضایت‌مندی سطح دانش دوران تحصیل، ۵) سیاست‌های دولت در زمینه اشتغال، ۶) تسهیلات و امکانات موجود، و ۷) علاقه‌مندی به مشاغل مرتبط با رشته‌های کشاورزی. در این زمینه همان‌طور که مشاهده می‌شود توانایی‌ها و مهارت‌های دانشجویان به‌عنوان مهم‌ترین عامل موثر در آینده شغلی دانش‌جویان رشته‌های کشاورزی مشخص گردیده است که هم تاییدکننده نتایج به‌دست آمده در بخش همبستگی و هم تاییدکننده سایر تحقیقاتی است که در این زمینه انجام شده‌اند. از جمله این تحقیقات می‌توان تحقیق زمانی و لاری (۱۳۸۳)، شهبازی و علی‌بیگی (۱۳۸۵)، Movahedi (۲۰۰۹)، و Cannon (۲۰۰۵) را ذکر کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود همان‌طور که Robinson et al. (۲۰۰۷) درباره احراز مشاغل مختلف کشاورزی در آینده توسط دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی، داشتن انگیزه و نگرش مثبت و توانایی‌ها و مهارت‌های کارکردن را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل موثر در کسب شغل در آینده معرفی کرده‌اند، دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی در دوران تحصیل با ایجاد انگیزه و علاقه مثبت نسبت به رشته تحصیلی خود نسبت به کسب مهارت‌های تخصصی، می‌بایست به بهترین شیوه تلاش نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به سایر عوامل تأثیرگذار در بهبود آینده شغلی دانشجویان رشته‌های کشاورزی که در این تحقیق مشخص گردید، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان مرتبط با دانش‌آموختگان

کشاورزی از قبیل وزارت جهاد کشاورزی، وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت تعاون در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود این عوامل را مد نظر قرار داده و از طریق مجاری قانون‌گذاری و به‌صورت طرح‌های فوریتی مساله را جهت تصویب و پی‌گیری دنبال نمایند.

منابع و مأخذ

۱. آوخ‌کیسمی، م. (۱۳۸۲). نقش آموزش تخصصی علمی کاربردی در افزایش وضعیت اشتغال. مجموعه مقالات همایش نقش فن‌آوری اطلاعات در اشتغال. تهران: انتشارات علم و صنعت. صفحات ۵۸۳-۵۷۷.
۲. استواری، م. (۱۳۸۲). فن‌آوری اطلاعات و مسئله اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی در ایران. مجموعه مقالات همایش نقش فن‌آوری اطلاعات در اشتغال. تهران: انتشارات علم و صنعت. صفحات ۳۰۳-۲۹۳.
۳. تیرایی، م.، و قاسمی، م. (۱۳۸۵). بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی به اشتغال در مناطق روستایی و عوامل موثر بر آن، مطالعه موردی: دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲. مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی، سال سیزدهم، شماره ۲، صفحات ۱۳۴-۱۳۳.
۴. حسین‌بر، م. ع. (۱۳۸۴). بررسی نگرش دانشجویان بلوچ نسبت به هویت ملی. قابل دسترسی در ۵ بهمن در سایت: <http://www.radiobalochi.org>
۵. زمانی، غ.، و لاری، م. (۱۳۸۳). وضعیت اشتغال از دیدگاه دانش‌آموختگان کشاورزی جویای کار. مجله علوم ترویج و آموزش ایران، جلد ۲، شماره ۲، صفحات ۴۰-۲۵.
۶. شاه‌ولی، م.، و نوری‌پور، م. (۱۳۸۶). سازه‌های موثر بر نگرش دانشجویان کشاورزی کشور: راهکارهای هدایت داوطلبان به رشته‌های کشاورزی. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۳، شماره ۱، صفحات ۷۱-۵۵.
۷. شفیعی، ف.، و شعبان‌علی‌فمی، ح. (۱۳۸۶). بررسی نگرش دانشجویان رشته‌های کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی، مطالعه موردی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. انجمن جمعیت شناسی ایران، جلد ۴، شماره ۲، صفحات ۱۹۲-۱۷۳.
۸. شهبازی، ا.، و علی‌بیگی، ا. (۱۳۸۵). واکاوی شایستگی‌های دانش‌آموختگان کشاورزی برای ورود به بازارهای کار در کشاورزی. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۲، شماره ۱، صفحات ۲۳-۱۵.
۹. محمدی‌دینانی، م.، و فولادی، م. ح. (۱۳۸۰). بررسی وضعیت دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۹، شماره ۳۴، صفحات ۳۴۱-۳۲۷.
۱۰. موحدی، ر. (۱۳۸۳). آموزش کشاورزی: چالش‌ها و فرصت‌ها. همدان: انتشارات شوق دانش.

۱۱. موحدی، ر.، چیدری، م.، و نوروژی، ا. (۱۳۸۶). بررسی مقایسه‌ای گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه دولتی نسبت به رشته کشاورزی در استان لرستان و همدان. *مجله علوم کشاورزی ایران*، سال سیزدهم، شماره ۳۳، صفحات ۵۴۵-۵۳۳.
۱۲. هال، د. (۱۳۷۳). توسعه اقتصادی و آموزش عالی. مترجم شیرازی‌بهشتی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، سال دوم، شماره ۱، صفحات ۱۹۳-۱۷۷.
۱۳. همتی، ف.، پزشکی‌راد، غ.، و چیدری، م. (۱۳۸۶). بررسی وضعیت شغلی و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان مراکز آموزش کشاورزی استان آذربایجان شرقی. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۳، شماره ۱.
14. Cannon, J. G. (2005). *Perceptions of the influence of the Virginia governor's school for agriculture on VGSA Alumni*. (Doctoral dissertation, Virginia Polytechnic Institute and State University).
15. Gortona, M., Douarinb, E., Davidovac, S., & Latruffed, L. (2008). Attitudes to agricultural policy and farming futures in the context of the 2003 CAP reform: A comparison of farmers in selected established and new Member States. *Journal of Rural Studies*, 24 (2), 322-336.
16. Movahedi, R. (2009). *Competencies needed by agricultural extension and education undergraduates for employment in the Iranian labor market*. (Doctoral dissertation, Berlin University). Retrieved from <http://www.disertation.de>
17. Robinson, J. S., Garton, B. L., & Terry, R. (2007). Identifying the employability skills needed in the workplace according to supervisors of college of agriculture, food and natural resources graduates. *Journal of Southern Agricultural Education Research*, 57(1), 95-100. Retrieved from <http://pubs.aged.tamu.edu/jsaer/pdf/Vol57/57-01-095.pdf>
18. Sterling, S. (2000). *The significance of systems thinking to environmental education, health, education and beyond*. (Eds.). In Jensen, B. B., Schnack, K., & Simovska, V. Critical environmental and health education: Research issues and challenges, Denmark: The Danish University of Education, 251-270.
19. Sterling, S. (2001). *Sustainable education: Re-visioning and change*; UK: Green Books Ltd.